



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی مدارس دولتی شهر

فاروج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱

فاطمه کاظم نیا^۱، سید محمد موسوی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پیوسته، علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

اداره آموزش و پرورش شهرستان شیروان، آموزشگاه شاهد ۲

Fatemekazemnia8@gmail.com

۰۹۹۱۵۸۹۴۳۶۳

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی شاندریز

اداره آموزش و پرورش شهرستان فاروج، آموزشگاه شهید ربیعی فاروج

Dme.smmousavi@gmail.com

۰۹۱۵۴۵۳۵۲۷۱

چکیده :

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم ابتدایی شهر فاروج می باشد. جهت انجام این تحقیق ۲۸۰ نفر از دانش آموزان شهر فاروج به روش تصادفی انتخاب شد. سپس از دانش آموزان و والدین آن ها خواسته شد که به پرسشنامه های درگیری والدین در امور تحصیلی و پرسشنامه شیوه های فرزندپروری پاسخ دادند. در نهایت داده های جمع آوری شده به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان جهت تحلیل داده ها مورد استفاده قرار گرفت. نتایج مشخص ساخت که در دانش آموزان پسر و دختر شیوه فرزند پروری مقتدرانه، رابطه مثبتی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشت و اما شیوه فرزندپروری سهل گیر در پسران رابطه منفی و در دختران رابطه مثبت با عملکرد تحصیلی نشان داد. در دختران شیوه مستبدانه رابطه منفی با عملکرد تحصیلی آن ها نشان داد و در دانش آموزان پسر شیوه فرزندپروری مستبدانه رابطه معناداری با عملکرد تحصیلی نشان نداد. تجزیه و تحلیل رگرسیون آشکار ساخت که از بین شیوه های فرزند پروری، شیوه فرزندپروری مقتدرانه، پیش بینی کننده مثبت و شیوه فرزندپروری مستبدانه پیش بین کننده منفی برای عملکرد تحصیلی در دانش آموزان بودند. و در نهایت رابطه بین درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر بررسی شد که نتایج نشان دادند که در دانش آموزان دختر و پسر درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی آن ها رابطه مثبتی نشان داد.

واژگان کلیدی: سبک های فرزند پروری، عملکرد تحصیلی، دوره دوم ابتدایی



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه: (مقدمه، بیان مسئله، ضرورت، بیان اهداف، سوالات پژوهش، مبانی نظری، پیشینه پژوهش)

خانواده سالم‌ترین و بهترین راه جهت برآوردن نیازهای آدمی می‌باشد، یکی از مهم‌ترین نقش‌های خانواده بقای نسل، تربیت فرزندان سالم و کارآمد و مفید برای جامعه است و هرگونه موفقیت و فراز و نشیبی که در خانواده به وجود می‌آید و یا هر نقصان و کاستی که بر خانواده تحمیل می‌شود در وهله اول اثرات مستقیمی بر فرزندان خواهد گذاشت (شمس، ۱۳۷۷).

مطالعه روابط والدین و کودک، یکی از بحث‌های علم روانشناسی را تشکیل می‌دهد، روابط بین کودکان و سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در ارتباط متقابل با یکدیگرند. والدین ممکن است هم فرزند خودشان را دوست بدارند و هم این که آن‌ها را طرد کنند، و یا این که در عین دوست داشتن آن‌ها، در انضباط نیز سخت‌گیری نمایند. پاسخ کودک نیز صرفاً به یک جنبه از رفتار والدین یا شخصیت آن‌ها ارتباط پیدا نمی‌کند، بلکه تحت تأثیر ترکیبی از عوامل مختلف است (اسفندیاری، ۱۳۷۹).

اسمارت (۲۰۰۱)، در پژوهشی دریافته است که چگونگی تعامل والد-کودک اغلب به عنوان پیش‌بینی کننده‌ای برای مشکلات رفتاری کودکان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تعامل‌هایی که معمولاً همراه با خصومت متقابل، بدبینی، کنترل بیش از حد و خشونت هستند در بسیاری از آسیب‌شناسی‌های دوران کودکی دخالت دارند (هالستین، ۲۰۰۱).

پژوهش‌های متمرکز بر عوامل والدین عموماً فرزندپروری را هم، در پرتو سبک‌های فرزندپروری جهانی (برای مثال، مقتدر، مستبد، سهل‌گیر)، و هم رفتارهای خاص والدینی (مانند شیوه‌های برقراری نظم)، مفهوم‌سازی نموده‌اند. و هم چنین دارلینگ و استین برگ (۱۹۹۳)، مدل نظری ارائه داده‌اند که در آن، سبک فرزندپروری از طریق تعدیل ارتباط بین رفتارهای والدینی و پیامدهای رفتاری، تأثیر غیرمستقیم روی این پیامدها داشت (سامروف، ۲۰۰۴).

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن، موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. به طوری که موفقیت در تحصیل، نقش مهمی در کسب فرصت‌های شغلی و ساختن زندگی آینده دانش‌آموزان دارد. در واقع آموزش مؤثر، بین گذشته، حال و آینده ارتباط ایجاد می‌کند (بریتزمن، ۲۰۰۳). محققان توافق دارند که علاوه بر آموزش بسیاری دیگر از عوامل از جمله، محیط، مدرسه، خانواده و محیط اجتماعی که کودک در آن زندگی می‌کند و هم‌چنین مشخصه‌های فردی مانند هوش، شخصیت، سن، همسالان و انگیزه در عملکرد تحصیلی او نقش مهمی را ایفا می‌کنند. کاموراجا، کارو و اشکم (۲۰۰۹) و بوساتو و همکاران، ۲۰۰۰، پرموزیک و همکاران، ۲۰۰۳ دریافتند که پیشرفت تحصیلی تنها پیامد هوش و امکانات آموزشی موجود در محیط نیست بلکه جنبه‌های روان‌شناختی، همانند ابعاد شخصیتی و سبک‌های یادگیری نقش مهمتری را دارند.

برای مثال، اینفانتی و همکاران، ۲۰۰۱، عنوان می‌کنند در گستره‌ی موفقیت تحصیلی، نقش شخصیت فراتر از هوش است. سیستم‌های موفق آموزش و پرورش در مقاطع مختلف تحصیلی، در کنار سنجش‌های گوناگون، بخشی را نیز به سنجش ابعاد روانی و شخصیتی دانش‌آموزان اختصاص می‌دهند تا به وسیله نتایج حاصل از آن و انجام اقدامات مورد نیاز به پیشرفت تحصیلی آنان کمک نمایند. اصولاً تدوین برنامه‌های آموزشی باید طوری باشد که آموزندگان را در شرایط سازگاری روانی، به سوی به کار بستن همه توانایی‌هایشان هدایت کنند (دهقان، ۱۳۸۵).

۱-۱. بیان مسئله

خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. اهمیت خانواده بعنوان یک نهاد اجتماعی مساله‌ای غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و همسالان تأثیر می‌گیرد ولی بیشتر تحت تأثیر خانواده است. تأثیر خانواده در کودک و نقش‌های مهم آن در جنبه‌های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم و عظیم است (قائمی، ۱۳۷۵).

تأثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز شده و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می‌ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می‌دهند که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند تأثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود. (نوابی نژاد، ۱۳۷۰)

از طرف دیگر پیشرفت تحصیلی موضوعی است که بخصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می‌شود. (قاجاریه، ۱۳۷۲). ارقام یونسکو نشان می‌دهد که مجموع هزینه‌های دولت‌ها برای آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه از ۸ میلیارد در سال ۱۹۶۵ به بیش از ۹۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است (برومند، ۱۳۷۸). زیرا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از مهمترین و عینی‌ترین معیارها برای بررسی و ارزیابی کارایی و اثربخشی نظام‌های آموزش و پرورش است (مهر افروز، ۱۳۷۸). و تمام کوشش‌ها و تلاش‌های این نظام در واقع جامعه عمل پوشیدن بدین امر تلقی می‌شود (شلوبری، ۱۳۷۷).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

همچنین پایگاه اجتماعی خاستگاه بسیاری از متغیرهای به هم وابسته ژنتیکی و اکتسابی است. از ویژگی های مشخص پایگاه اجتماعی می توان از تعلیم و تربیت و شغل والدین، هوش بهر رفتار کلامی آنها، در آمد خانواده، وضع بهداشتی، تجارب تربیتی، همسایگان و شرایط زندگی، نگرش های گوناگون در باب آموزش و پرورش، پیشرفت و امکان کنترل بر مقدرات و مانند اینها نام برد بررسی اثرات متنوع عوامل اجتماعی، اقتصادی در پیشرفت تحصیلی اهمیت فراوان دارد مدتها قبل معلوم شده است که روند هوش بهر و موفقیت بچه ها با وضع اجتماعی خانواده هایشان تغییر می کند بسیاری از محققان دریافته اند که نمرات کودکان در آزمون های هوشی موجود به طور اساسی به شغل پدر، تعلیم و تربیت والدین و درآمد خانواده مرتبط و وابسته است (مهدی پور، ۱۳۸۶).

نخستین تحقیقات منظم وجدی در مورد رابطه شخصیت کودک با فضای روانی-تربیتی خانواده و نحوه رفتار والدین توسط پژوهشگرانی مانند (کازانین، سیچ ونایت) آغاز شد. (شاملو، ۱۳۷۵).

خانواده یک نظام طبیعی و اجتماعی است که افراد خواسته یا ناخواسته به آن وابسته اند و اولین کانونی است که فرد در آن احساس امنیت می کند و مورد پذیرش و حمایت قرار می گیرد. مطمئناً ساخت و فضای خانواده، نقش مهمی در عملکرد و رفتار فرد ایفا می کند. کیفیت تعامل والدین و فرزندان، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و تحصیلات والدین همواره به عنوان تعیین کننده های مهم عملکرد تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان شناخته شده است (هانوشک، ۱۹۸۶؛ نقل از آکسوی، لینک؛ ۲۰۰۰).

از جمله متغیرهایی که در ارتباط با شیوه های فرزند پروری مورد توجه و بررسی محققان و پژوهشگران روان شناسی و متخصصین تربیتی قرا رگرفته است می توان به رشد اجتماعی (مهرایی، ۱۳۷۶)، سازگاری اجتماعی، عزت نفس و خود کنترلی (برک، به نقل از مارسل، ۱۹۹۷) نیز (حسینیان آقا ملکی، ۱۳۷۶)، بلوغ شخصیتی (لامبورن و همکاران ۱۹۹۱، به نقل از لیل آبادی، ۱۳۷۵)، انگیزش (پیزو، ۱۹۹۳، گلیسون و دیگران به نقل از شارون و همکاران ۱۹۹۷) خود تنظیمی (ملک مکان، ۱۳۷۸) و مکان کنترل، رشد اخلاقی، اضطراب و هوش (برندت، ۱۹۹۷) به نقل از مهر افروز (۱۳۷۸) اشاره نمود در همین رابطه نتایج تحقیقات دویینس (۲۰۰۶)، برومند نسب (۱۳۷۳) مهر افروز (۱۳۷۸) و پور عبدلی و همکاران (۱۳۸۷) نشان می دهد والدینی که انتظارات درونی بیشتری از فرزند خود داشته و از نظر سطح پاسخگو بودن (گرمی، پذیرش و تعهد) و درخواست کنندگی (کنترل و نظارت) در سطح بالایی باشند و به شیوه اقتدار منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند، فرزندان دارای کنترل درونی می شوند. سوال اصلی این تحقیق این است که بین شیوه های فرزند پروری و درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج چه رابطه ای وجود دارد.

۲-۱. ضرورت

خانواده به دلیل نقش تربیتی و فرهنگی خود در پرورش انسان های متفکر، آگاه و بالنده نقش بسیار موثری می تواند ایفا کند. اگر ابعاد این نهاد تربیتی به درستی تحلیل شود معلوم می گردد که سلامت و پویایی جامعه به سلامت و پویایی خانواده ارتباط دارد. (ملکی، ۱۳۸۵). انجام این تحقیق می تواند اطلاعات ارزنده ای در اختیار مسئولین و برنامه ریزان آموزش و پرورش قرار دهد و با توجه به اینکه چنین تحقیقی در استان هرمزگان انجام نشده است اهمیت آنرا دو چندان می کند.

نتایج این تحقیق می تواند مسئولان و برنامه ریزان را یاری دهد تا بتوانند زمینه لازم جهت درگیری بیشتر والدین در امور تحصیلی فرزندان را فراهم نمایند و همچنین روش صحیح تربیت فرزندان را به والدین آموزش دهند.

پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی یکی از مهمترین و عینی ترین معیارها برای بررسی و ارزیابی کارایی نظام های تربیتی است. از طرفی دانش آموزان بزرگترین سرمایه های انسانی در هر جامعه به حساب می آیند؛ زیرا می توانند با هم در آمیختن نیروی جوانی و علم و مهارت آموخته شده چرخ های پیشرفت و توسعه را به حرکت در آورند.

مسئله پیشرفت تحصیلی یکی از مسائل مهم آموزش و پرورش در تمام نقاط دنیا است. چنانچه بخواهیم مدارس، دانش آموزان موفق و کارآمدی پرورش دهند ضروری است عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی را بشناسیم و برنامه ریزی دقیق در همین راستا به عمل آید. در هر جامعه ای دانش آموزان سازنده ای فردای آن جامعه و کسانی هستند که باید پذیرای مسئولیت های آن جامعه باشند. به همین دلیل است که امروزه آموزش و پرورش جایگاه ویژه ای دارد و مردم در سراسر دنیا در پی یافتن راه هایی برای بهبود آموزش و پرورش آینده سازان کار آمدتر هستند (الیاس، ۲۰۰۲). هر سال آموزش و پرورش و خانواده ها سرمایه و هزینه های زیادی را جهت سلامت و تحصیل موفق دانش آموزان صرف می کنند. پرورش درست دانش آموزان از نظر روانی و تحصیلی باعث می شود که فارغ التحصیلانی کارآمد تحویل جامعه داده شوند که دارای بنیه علمی و توان عملی لازم هستند و سرمایه و هزینه به کار رفته به شکل بهینه ای بازدهی خواهد شد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱-۳. بیان اهداف

۱-۳-۱ هدف کلی:

بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج

۱-۳-۲ اهداف جزئی:

- ۱- بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج
- ۲- بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج
- ۳- بررسی رابطه میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج
- ۴- بررسی رابطه میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج
- ۵- بررسی شیوه های فرزندپروری والدین، به عنوان پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی دانش آموزان

۱-۴. فرضیه های اصلی

- ۱- بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.
- ۵- شیوه های فرزندپروری والدین، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کنند.

۱-۵. سوالات پژوهش

- ۱- بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج چه رابطه ای وجود دارد؟
- ۲- بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج چه رابطه ای وجود دارد؟
- ۳- بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج چه رابطه ای وجود دارد؟
- ۴- بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهرستان فاروج چه رابطه ای وجود دارد؟
- ۵- آیا شیوه های فرزندپروری والدین، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کنند؟

۱-۶. مبانی نظری

این تحقیق با سه سازه اصلی تحت عنوان های شیوه های فرزندپروری، درگیری والدین در امور تحصیلی و عملکرد تحصیلی سر و کار دارد که در آغاز تعریف نظری و سپس تعریف عملیاتی برای هر کدام از سازه ها ارائه می شود.

۱-۶-۱ تعاریف مفهومی

شیوه های فرزندپروری: یکی از سازه های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می آید (دارلین، و ستین برگ، ۱۹۹۳).

درگیری والدین: درگیری والدین در امور تحصیلی به پیگیری مستمر والدین و مراجعات مکرر آنها به منظور واریسی وضعیت تحصیلی فرزندان در خانه و مدرسه گفته می شود.

عملکرد تحصیلی: این اصطلاح از نظر مفهومی به مقدار یادگیری آموزشی فرد که در آزمون های مختلف درسی سنجیده می شود و به شکل نمره مشخص می گردد اشاره دارد (سیف، ۱۳۸۰).

۱-۶-۲ تعاریف عملیاتی

شیوه های فرزندپروری: پاسخی است که هریک از شرکت کنندگان به خرده مقیاس های پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند که دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده به شیوه اقتدار منطقی والدین و ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق در امر پرورش فرزند مربوط می شود جواب می دهند.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

درگیری والدین در امور تحصیلی: درگیری والدین در امور تحصیلی در پژوهش حاضر از طریق نمره کسب شده دانش آموزان از پاسخ گویی به پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده است.

عملکرد تحصیلی: عملکرد تحصیلی در پژوهش حاضر از طریق معدل کل دانش آموزان در ترم اول و با مراجعه به پرونده های آن‌ها به دست آمده است.

۱-۷. پیشینه پژوهش

عملکرد تحصیلی یکی از شاخص های مهم در ارزیابی نظام آموزشی است و تمام کوشش ها و کشمکش های این نظام، در واقع برای جامعه عمل پوشاندن بر این امر است. عملکرد تحصیلی در هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدفیابی و توجه به رفع نیاز های فردی است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا، پیش بینی عملکرد تحصیلی از جمله مباحث و موضوعات اصلی مورد علاقه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت و روانشناسان تربیتی است (فورنهام و همکاران ۲۰۰۳؛ رضایی، ۱۳۸۸). مهم ترین نشانه موفقیت نظام آموزشی در رسیدن به اهداف، شیوه عملکرد تحصیلی فراگیران آن است. عملکرد تحصیلی بر جنبه های مهمی از زندگی افراد مثل ارتقاء به مقاطع تحصیلی بالاتر، کسب شغل بهتر، جایگاه اجتماعی مناسب تر، رضایت خاطر بیشتر و... تأثیر می گذارد (میرحیدری و همکاران، ۱۳۹۶). نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد دانست که عملکرد تحصیلی فراگیران در دوره های مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد. عملکرد تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی اشاره می شود که به وسیله آزمون های فراگیری استاندارد شده یا آزمون های معلم ساخته اندازه گیری می شود. عوامل شناختی و عاطفی فراوانی بر عملکرد تحصیلی تأثیر گذارند (کاپلان و فلوم، ۲۰۱۰). عملکرد تحصیلی به مقدار یادگیری فرد به صورتی که توسط آزمون های مختلف درسی مانند ریاضی، آمار، علوم و... سنجیده می شود اشاره دارد (سیف، ۱۳۹۶). جوهان (۲۰۰۵)، عملکرد تحصیلی را چنین تعریف کرده است: توانایی های به هم پیوسته شناختی که یادگیرنده را قادر می سازد تا بر اطلاعات تحصیلی بر اساس معیار داده شده تسلط یابد، برای اینکه توانایی لازم را برای سال تحصیلی بعد کسب کند. عملکرد تحصیلی به معنای توانایی دانش آموزان در پاسخ دهی به مسائل مربوط به موضوع یا موضوعات خاص پیش بینی شده برای یک دوره آموزشی است (سپهوندی، ۱۳۸۶). عملکرد تحصیلی شامل ثبت کلیه فعالیت های شناختی فرد تحصیل کننده است که با یک سیستم درجه بندی مورد توافق با توجه به سطوح مختلف فعالیت های هیجانی و آموزشی و جدول زمانی سنجیده می شود و به عنوان فرایند پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می شود (خوش کنش، ۱۳۸۶).

جامعه و به طور ویژه آموزش و پرورش، نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت آمیز و جایگاه فرد در جامعه علاقه مند است و انتظار دارد فرد در جوانب گوناگون؛ اعم از ابعاد شناختی، کسب مهارت و توانایی و نیز در ابعاد شخصیتی، عاطفی و رفتاری چنان که باید، پیشرفت کند و تعالی یابد. با توجه به اینکه میزان عملکرد و افت تحصیلی یکی از ملاک های کارایی آموزش و پرورش است، کشف و مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی به شناخت بهتر و پیش بینی متغیرهای مؤثر در مدرسه می انجامد. بنابراین، بررسی متغیرهایی که با عملکرد تحصیلی در دروس مختلف رابطه دارد، یکی از موضوع های اساسی پژوهش در آموزش و پرورش است (زانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

یکی از عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی عبارت است از عوامل خانوادگی و اجتماعی. از آن جا که خانواده، خود یک واحد اجتماعی است و ارزش ها و معیارهای اجتماعی از طریق آن به کودک منتقل می شود، به عنوان یک واسطه از لحاظ تأثیر محیط اجتماعی بر کودک، اهمیت فراوانی دارد. به سخن دیگر، چون خانواده کانون تولد و زایش فرزند است و پیش از وی شکل گرفته است، تا مرحله ای که فرزند به آگاهی و «شعور» کافی برسد، خواه ناخواه در تعیین سرنوشت، ساختمان روحی و نوع جهان بینی و طرز تفکر وی که خود برگرفته از محیط اجتماعی است، تأثیر فراوان دارد (احدی و محسنی، ۱۳۸۷). کیفیت تعامل والدین و فرزندان، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و تحصیلات والدین همواره به عنوان تعیین کننده های مهم عملکرد تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان شناخته شده است (هانوشک، ۱۹۸۶؛ نقل از آکسوی و لینک، ۲۰۰۰).

سبک های فرزند پروری به رفتار های مشخص والدین اشاره دارد که به طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر بر پیامد های تحولی کودک اثر می گذارند و در برگزیده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (بروکه، ۲۰۰۵). بامریند (۱۹۷۱)، به نقل از اژه ای و همکاران، (۱۳۹۰) سه سبک برای فرزند پروری والدین پیشنهاد می کند: مستبد، مقتدر و آسان گیر.

والدین مقتدر معمولاً انتظار دارند از فرزندانشان رفتارهای پخته ببینند و موازین رفتاری روشنی برای آن ها وضع می کنند، کودکانشان را ترغیب می کنند تا مستقل باشند و نظام باز و انعطاف پذیری برای تعامل با فرزندانشان دارند. والدین مستبد معمولاً ارزش زیادی برای حفظ اقتدار خود قائل اند و هرگونه تلاش از جانب فرزندان برای به چالش کشیدن این اقتدار را سرکوب می کنند، کودکان مجاز نیستند با والدین بحث کنند و یا به طور مستقل تصمیم بگیرند. والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می دهند رفتارهای خود را تنظیم نموده و برای خودشان تصمیم بگیرند، اما به ندرت قواعدی برای نظارت بر رفتارهای کودکانشان وضع می کنند. (سلیگمن و راید، ۲۰۱۲؛ به نقل از بخت آور، ۱۳۹۷) سبک های فرزند پروری را این گونه



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تعریف کرده اند: شیوه های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها است که تعاملات والد-کودک را در دامنه گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تاثیرگذار را به وجود می آورد. نوع برخورد والدین در قالب رفتارهای متنوع، به هنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می برند سبک های فرزند پروری نامیده می شوند.

حال در این جا پس از بررسی متغیر ها، به ویژگی های ذهنی و روانی جامعه مورد نظر خود می پردازیم. از آن جا که جامعه مدنظر ما، دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی هستند لذا دانش آموزان پسر پایه های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی را از لحاظ ویژگی های ذهنی و روانی مورد واکاوی قرار می دهیم. به این منظور به نظریه ژان پیاژه متوسل می شویم. از نظر پیاژه کودکان در این سن در مرحله تفکر عملیات عینی قرار دارند و هنوز به تفکر انتزاعی دست نیافته اند. او ویژگی های این دسته از کودکان را این گونه بر می شمرد: در این مرحله از مراحل رشد، کودک شروع به فکر کردن منطقی و سازماندهی شده می کند. کودک توانایی اعمال منطقی را کسب می کند اما این اعمال را با امور محسوس و عینی می تواند انجام دهد نه با امور فرضی و پدیده های انتزاعی. از دیگر ویژگی های این مرحله این است که کودکان نیازی به انجام اعمال کوشش و خطا ندارند بلکه می توانند اعمال را پیش بینی کنند و نتایج آن ها را از پیش حدس بزنند. همینطور از رویدادهای مهم این مرحله درک مفهوم بقاء ماده، عدد، وزن و حجم توسط کودک است. کسب توانایی طبقه بندی کردن اشیاء (دسته بندی کردن گروهی از اشیاء برحسب شباهتها و تفاوت های آنها که نیاز به توانایی درک روابط میان آن اشیاء دارد). هم چنین در این مرحله از خود محوری کودک کاسته شده و افکار و احساسات دیگران برایش مهم می شود و کودک احترام به مقررات را می آموزد.

برخی از مطالعات و تحقیقات مرتبط با موضوع، که مربوط به ۳ تا ۵ سال گذشته است را عنوان می کنیم.

در پژوهش کاکایی و احمدی (۱۳۹۷) با عنوان رابطه شیوه های فرزندپروری با خوش بینی، امیدواری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه، با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار وجود دارد شیوه فرزندپروری سهل گیرانه قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی است ولی شیوه فرزند پروری استبدادی قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی نیست. در پژوهش (مهربان و همکاران، ۱۳۹۸) نشان داد که، سبک های فرزندپروری اقتداری تاثیر مستقیم مثبت و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دارند. سبک های فرزندپروری استبدادی تاثیر مستقیم منفی و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دارند. در حالی که سبک های فرزندپروری سهل انگاری تاثیر مستقیم منفی و غیر معناداری بر پیشرفت تحصیلی دارند. در پژوهش (جعفری نصیر محله، ۱۳۹۹) نیز با یافته های دیگران همخوانی داشت. (رحمت زهی و همکاران، ۱۳۹۷) نیز به نتایجی مشابه با موارد مذکور دست یافته اند. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷) نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

اکنون به تحقیقات مرتبط با موضوع که به زبان انگلیسی طی ۳ تا ۵ سال گذشته صورت گرفته، می پردازیم؛

نتایج حاصل از تحقیق چکا و گوترز (۲۰۱۸) با عنوان

Parenting Styles, Academic Achievement and the Influence of Culture

نیز به این صورت آمده است که: اکثر مطالعات به این نتیجه رسیدند که سبک فرزندپروری مقتدرانه کارآمدترین روش برای افزایش پیشرفت تحصیلی است. برخلاف سبک های فرزندپروری مستبدانه و سهل انگیز که معمولاً با پیشرفت تحصیلی در جهت منفی همراه است. تحقیق بایدو و همکاران (۲۰۱۹) نیز با عنوان:

Parenting Styles as a Predictor of Academic Achievement of Junior High School Students in Aowin and Suaman District, Ghana

به بررسی این موضوع پرداخته و نتایج حاصل به این صورت آمده است: سبک های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی همبستگی بالایی دارد و از این رو سبک های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد. همچنین نتایج تحقیقات مومینا و همکاران (۲۰۲۲) که بر روی دانش آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی و خصوصی کشور کنیا انجام شده است نیز ارتباط و همبستگی بین سبک های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی را گزارش کرده است. همچنین نتایج تحقیق براکو (۲۰۲۲) که بر روی دانش آموزان کشور غنا انجام شده نیز نتایجی مشابه داشته است. او در این تحقیق یافته است که: سبک های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه با عملکرد تحصیلی همبستگی منفی دارد در حالی که سبک فرزندپروری مقتدرانه بر عملکرد دانش آموزان تاثیر مثبت دارد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۲- روش شناسی: (نوع تحلیل، روش گردآوری مطالب، جامعه آماری، مدل نمونه گیری، روش تحلیل یافته ها ...)

با توجه به ماهیت تحقیق، رویکرد تحقیق حاضر ترکیبی یا آمیخته می باشد و از لحاظ هدف این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است. از آن جا که هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک های فرزندپروری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد، روش تحقیق این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد.

۲-۱. روش گردآوری مطالب

از لحاظ روش گردآوری اطلاعات روش تحقیق حاضر توصیفی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آن ها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. تحقیق همبستگی نیز در زیر مجموعه تحقیقات توصیفی قرار دارد و به منظور بررسی ویژگی های یک جامعه آماری به کار می رود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۸۱، و دلاور، ۱۳۸۶، ص ۹۹).

۲-۲. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم ابتدایی شهر فاروج در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می باشد، که حجم آن بنابر گزارش اداره آموزش و پرورش شهرستان فاروج برابر با ۸۶۴ نفر است. جدول شماره (۱) حجم جامعه را نشان می دهد.

جدول (۱). دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم ابتدایی شهر فاروج

عنوان	دانش آموز	کلاس
دانش آموزان دوره دوم ابتدایی	۸۶۴	۳۸

۲-۳. مدل نمونه گیری

شیوه نمونه گیری به کار برده در این پژوهش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای و طبقه ای می باشد. معمولاً از نمونه گیری طبقه ای برای پژوهش های آموزشی در مواردی استفاده می شود که پژوهشگر قصد داشته باشد زیر گروه های جامعه را به همان نسبت در نمونه لحاظ کند. با همین منطق در این پژوهش با حفظ ضرورت حضور زیر گروه های جامعه در نمونه پژوهش این روش نمونه گیری مورد استفاده قرار گرفت. در واقع در تحقیق حاضر سعی شده ابتدا با انتساب متناسب یعنی با در نظر گرفتن نمونه به همان نسبتی که در جامعه حضور دارد، تعداد نمونه انتخاب شود. بدین صورت که ابتدا در هر یک از نواحی یک و دو سهم جنسیت هر کدام از دانش آموزان نسبت به کل افراد جامعه محاسبه و سپس بر اساس سهم هر کدام از آن ها تعداد نمونه انتخاب شد.

۲-۳-۱. نمونه گیری چند مرحله ای:

پس از آن که حجم نمونه مورد نیاز مشخص شد و به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب نسبت هر یک از زیرگروه های جامعه برای حضور در نمونه مشخص شد. سپس با بهره گیری از روش نمونه گیری چند مرحله ای به دانش آموزان انتخاب شده مراجعه و داده های لازم از آن ها اخذ شد. به همین منظور افراد جامعه (دانش آموزان) را با توجه به سلسله مراتبی از واحدهای بزرگ تر به کوچک تر انتخاب نموده، برای این کار:

واحد مرحله ی اول

دبستان را انتخاب کرده مدرسه ابتدایی ۱ مدرسه ابتدایی ۲... مدرسه ابتدایی ۵

واحد مرحله ی دوم

کلاس را انتخاب کرده کلاس ۱ و ۲ کلاس ۳ و ۴ کلاس ۹ و ۱۰

واحد مرحله ی سوم

دانش آموز ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

برای همین منظور ابتدا کلیه مدارس ابتدایی شهر فاروج را به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده سپس به تمامی آن ها شماره داده و با استفاده از جدول اعداد تصادفی شماره های انتخاب شده (مدارس) را مشخص و اقدام به انتخاب نمونه مورد نظر شد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۲-۳-۲. حجم نمونه:

جهت به دست آوردن حجم مناسب نمونه ابتدا به صورت زیر از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه به این روش ۲۸۰ نفر به دست آمد. علایم استفاده شده در فرمول پایین عبارتند از:

$$n' = \frac{t^2 \cdot s^2}{d^2}$$

$$n' = \frac{(1/96)^2 \times (0/25)}{(0/06)^2} = 280$$

d: دقت احتمالی مطلوب. = ۰/۰۵

ضریب اطمینان = ۱/۹۶

S2 = ۰/۲۵ پیش برآورد واریانس در جمعیت.

۲-۴-۲. روش تحلیل یافته ها

در تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی و روش‌های آمار استنباطی استفاده شد. روش‌های آمار توصیفی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از: فراوانی، میانگین، واریانس، انحراف معیار و خطای انحراف استاندارد. روش‌های آمار استنباطی که مورد استفاده قرار گرفته شد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری خطی به روش همزمان می‌باشد. بعد از جمع آوری پرسش‌نامه‌های مورد نظر تمام اطلاعات از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

۲-۴-۱. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دینا باوم ریند

۲-۴-۱-۱. معرفی آزمون

این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه که توسط دینا باوم ریند (۱۹۹۱)، طراحی شد شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده به شیوه آزادگذاری و ۱۰ ماده به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر اقتدار منطقی در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود.

۲-۴-۱-۲. شیوه‌ی نمره گذاری

در این ابزار آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده نظر خود را با علامت × برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص کردند که از صفر تا ۴ (کاملاً مخالفم) = ۰ تا کاملاً موافقم (= ۴)، نمره گذاری شد و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست آمد.

۲-۴-۱-۳. پایایی

پرسشنامه دینا باوم ریند در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن به دست آمده چنانچه بوری در سال ۱۹۹۱ پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیر، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه قاطع و اطمینان بخش و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل گیر، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه قاطع گزارش نمود. همچنین وی با استفاده از روایی تشخیص نشان داد که روش استبدادی مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۳۸-)، روش قاطع و اطمینان بخش (۰/۴۸-)، و مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با سهل‌گیری (۰/۵۰-)، و قاطع و اطمینان بخش (۰/۱۲-)، دارد. در کل نتایج به دست آمده از مطالعات خارجی و داخلی اعتبار و روایی پرسشنامه فرزندپروری را مورد تأثیر قرار می‌دهند. و این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴)، و بیغم (۱۳۷۹)، مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱)، همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰-)، و اقتدار منطقی (۰/۵۲-)، او دارد. میزان پایایی این ابزار به روش آلفا کرنباخ، در این پژوهش ۰/۶۹ برای آزادگذاری ۰/۷۳، برای استبدادی ۰/۸۳، برای شیوه‌ی مقتدرانه ۰/۹۰ به دست آمده است و این آزمون از همسانی درونی خوبی برخوردار بود در مطالعه حاضر پایایی از روش آلفای کرنباخ ۰/۸۹ بدست آمد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۳- بحث درباره یافته ها

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهشی از روش‌های آمار توصیفی و روش‌های آمار استنباطی استفاده شد. در سطح توصیفی از شاخص‌های فراوانی، درصد فراوانی، درصد تجمعی استفاده شد. در سطح استنباطی برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد.

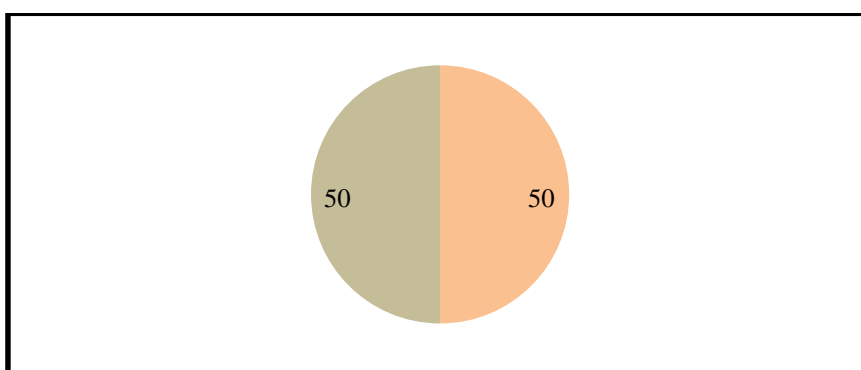
۳-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

۳-۱-۱. جنسیت

جدول (۲). توزیع فراوانی، درصد و درصد تجمعی افراد شرکت کننده در پژوهش حاضر بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دانش آموزان پسر	۱۴۰	۵۰
دانش آموزان دختر	۱۴۰	۵۰
کل	۲۸۰	۱۰۰

جدول (۲)، نشان می‌دهد که فراوانی شرکت کنندگان در پژوهش حاضر مربوط به جنس مونث و مذکر برابر با ۲۸۵ نفر می‌باشد.



نمودار (۱). نمودار توزیع درصد شرکت کنندگان در پژوهش حاضر بر حسب جنسیت

۳-۲. فرضیه‌های تحقیق

۳-۲-۱. فرضیه اول:

بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.

جدول (۳) ضرایب همبستگی ساده بین شیوه‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر

عملکرد تحصیلی		شیوه‌های فرزندپروری
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۷	-۰/۲۹	سهل گیر
۰/۴۹۸	۰/۱۵	مستبدانه
۰/۰۲	۰/۱۹	مقتدرانه



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



در جدول (۳) ضرایب همبستگی شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر ارائه شده است. مقادیر ضرایب همبستگی مشاهده شده بین شیوه های فرزندپروری سهل گیر و مقتدرانه (به ترتیب ۰/۲۹، -۰/۱۹) بیانگر آن است شیوه فرزندپروری سهل گیر با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر رابطه منفی معناداری ($p < .001$) دارد و شیوه فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر رابطه مثبت معناداری در سطح $P = 0.02$ دارد بدین معنا که والدینی که فرزندان خود را مقتدرانه و با تدبیر پرورش داده اند باعث افزایش عملکرد آن ها در مدرسه شده اند اما والدین سهل گیر با توجه به این که هیچگونه برنامه ای منظمی برای پرورش فرزندان خود نداشته اند باعث افت تحصیلی دانش آموزان پسر خود شده اند. هم چنین همان طور که در جدول ملاحظه می کنید شیوه فرزند پروری مستبدانه با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر رابطه معناداری نداشت.

۳-۲-۲. فرضیه دوم:

بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.

جدول (۴). ضرایب همبستگی ساده بین شیوه های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر

عملکرد تحصیلی		شیوه های فرزندپروری
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۳	۰/۱۷	سهل گیر
۰/۰۲	-۰/۱۳	مستبدانه
۰/۰۷	۰/۱۶	مقتدرانه

در جدول (۴) ضرایب همبستگی شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر ارائه شده است. مقادیر ضرایب همبستگی مشاهده شده بین شیوه های فرزندپروری سهل گیر، مستبدانه و مقتدرانه (به ترتیب ۰/۱۷، -۰/۱۳، ۰/۱۶) بیانگر آن است شیوه فرزندپروری سهل گیر با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر رابطه مثبت معناداری ($p < .001$) دارد و شیوه فرزندپروری مستبدانه با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر رابطه منفی معناداری در سطح $P = 0.02$ دارد و همچنین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر رابطه مثبت معناداری در سطح $P = 0.07$ نشان داد. بدین معنا که والدینی که دختران خود را با شیوه های مقتدرانه و سهل گیر داده اند باعث افزایش عملکرد آن ها در مدرسه شده اند اما والدین سهل گیر با توجه به این که هیچگونه برنامه ای منظمی برای پرورش فرزندان خود نداشته اند باعث افت تحصیلی دانش آموزان دختر خود شده اند.

۳-۲-۳. فرضیه سوم:

بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.

جدول (۵) ضرایب همبستگی ساده بین درگیری والدین در امور تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر

عملکرد تحصیلی		درگیری والدین در امور تحصیلی
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۷	۰/۱۵	درگیری والدین پسر



در جدول (۵) ضرایب همبستگی ساده بین درگیری والدین در امور تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می کنید ضریب همبستگی بین درگیری والدین در امور تحصیلی پسران با عملکرد تحصیلی آن ها در مدرسه ۰/۱۵ می باشد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بدین معنا که والدین دانش آموزان پسر که بیشتر به درس و تکالیف آن ها اهمیت می دادند باعث شده که عملکرد این فرزندان آن ها در مدرسه افزایش یابد.

۳-۲-۴. فرضیه چهارم:

بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد.

جدول (۶) ضرایب همبستگی ساده بین درگیری والدین در امور تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر

عملکرد تحصیلی		درگیری والدین در امور تحصیلی
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۲	درگیری والدین دختر

در جدول (۶) ضرایب همبستگی ساده بین درگیری والدین در امور تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می کنید ضریب همبستگی بین درگیری والدین در امور تحصیلی دختران با عملکرد تحصیلی آن ها در مدرسه ۰/۳۲ می باشد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. بدین معنا که والدین دانش آموزان دختر، که بیشتر به درس و تکالیف آن ها اهمیت می دادند باعث شده که عملکرد این فرزندان آن ها در مدرسه افزایش یابد. لازم به یادآوری است که این درگیری والدین در امور تحصیلی در دختران بیشتر موثر بوده و با عملکرد تحصیلی آن ها رابطه قوی تری برقرار کرده است.

۳-۲-۵. فرضیه پنجم:

شیوه های فرزندپروری والدین، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را در مدرسه پیش بینی می کنند.

جدول (۷) جدول خلاصه مدل رگرسیون همزمان جهت پیش بینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان براساس شیوه های فرزندپروری

متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده
شیوه های فرزند پروری	۰/۱۸۸	۰/۰۳۵	۰/۰۲۵

براساس مشاهدات جدول (۷) مشخص گردید که همبستگی چندگانه بین شیوه های فرزندپروری با عملکرد تحصیلی برابر با ۰/۱۸۸ است و ضریب تعیین تعدیل شده آن برابر ۰/۰۲۵ می باشد. به عبارت دیگر ۰/۰۲۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک عملکرد تحصیلی به وسیله ی ابعاد شیوه های فرزندپروری تبیین می شود.

جدول (۸) جدول خلاصه نتایج تحلیل واریانس یکراهه برای پیش بینی متغیر سبک حل تعارض زناشویی «یکپارچه سازی» بر اساس ابعاد دلبستگی

مدل Enter	شاخص مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	مقدار F	سطح معنی داری
شیوه های فرزند پروری	اثر رگرسیونی	۵۱/۵۱۶	۳	۱۷/۱۷۲	۳/۳۷۶	۰/۰۱۹
	باقی مانده	۱۴۰۳/۸۵	۲۷۶	۵/۰۸		
	کل	۱۴۵۵/۳۷	۲۷۹			



جدول تحلیل واریانس (۸)، نشان می‌دهد مدل رگرسیونی حاضر از نظر آماری معنی‌دار است. به عبارت دیگر معنی‌دار بودن مدل رگرسیونی، رابطه خطی بین متغیرها را تایید می‌کند. این جدول نشان می‌دهد که متغیر شیوه‌های فرزندپروری با مقدار $F=۳/۳۷۶$ ، در سطح آلفای $۰/۰۱۹ < P$ معنی‌دار می‌باشد.

جدول (۹). جدول ضرایب معادله رگرسیونی همزمان، متغیر ابعاد دل‌بستگی

سطح معنی‌داری	مقدار t	مقدار استاندارد β	ضرایب غیر استاندارد		
			مقدار خطای استاندارد	مقدار B	
۰/۰۰۱	۱۴/۴۱		۱/۱۴	۱۶/۴۸	عرض از مبدأ
۰/۴۹	-۰/۶۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۰/۰۱	سهل‌گیر
۰/۰۳	-۲/۱۱	-۰/۱۳	۰/۰۱	-۰/۰۴	مستبدانه
۰/۰۰۱	۲/۹۳	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۵	مقتدرانه

جدول ضرایب معادله رگرسیونی (۹)، سهم هریک از متغیرهای پیش‌بین را در تغییرات متغیر ملاک نشان می‌دهد، از بین شیوه‌های فرزند پروری، شیوه مستبدانه با مقدار بتای $-۰/۱۳$ و مقدار $t=-۲/۱۱$ ، در سطح آلفای $۰/۰۳ < P$ معنی‌دار می‌باشد. این بدان معنی است که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر شیوه فرزندپروری مستبدانه، $-۰/۱۳$ در انحراف معیار متغیر وابسته عملکرد تحصیلی تغییر ایجاد می‌شود. علت منفی بودن ضریب بتای به دست آمده در شیوه مستبدانه این است که هر چه فرد نمره ی پایین تری در شیوه مستبدانه بگیرد بیشتر افت تحصیلی در فرزندان استفاده ایجاد می‌شود. لذا این ضریب منفی در جدول فوق قابل توجیه است. همچنین طبق نتایج به دست آمده، شیوه مقتدرانه با مقدار بتای $۰/۱۸$ و مقدار $t=۲/۹۳$ ، در سطح آلفای $۰/۰۰۱ < P$ معنی‌دار می‌باشد به این معنا که شیوه فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند به طور مثبت عملکرد دانش آموزان را در مدارس پیش بینی کند.



۴- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره دوم شهر فاروج انجام شد. نمونه پژوهش حاضر را ۲۸۰ دانش آموز پسر و دختر دوره دوم شهر فاروج را شامل می شد. در این پژوهش ۵ فرضیه مطرح شد. ابتدا نتایج را که در راستای اهداف تحقیق و با تجزیه و تحلیل داده ها حاصل شد (که شرح مفصل آن در فصل چهار آمد)، ارائه شده و سپس این نتایج با نتایج تحقیقات مشابه مقایسه شده است. نکات علمی قابل استنباط از مطالعات نظری و میدانی که با سؤالات تحقیق مرتبط هستند ارائه شده و به پژوهش حاضر ربط داده می شود.

۴-۱. فرضیه اول: بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد. نتایج تجزیه و تحلیل ضرایب همبستگی پیرسون بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر نشان داد که والدینی که به صورت مقتدرانه پسران خود را پرورش داده اند این عملکرد آنها با عملکرد تحصیلی پسرانشان در دانشگاه رابطه مثبت نشان داده و باعث پیشرفت آن ها شده است. اما شیوه ی فرزند پروری سهل گیر در این پژوهش رابطه منفی با عملکرد دانش آموزان پسر نشان داده است. و باعث افت تحصیلی آن ها در مدرسه شده است.

جهت تبیین این موضوع می توان بیان کرد که با توجه به این که فرزندپروری، شیوه تربیتی اعمال شده از سوی والدین است، که شامل مجموعه رفتارهای متعدد و گوناگون طبیعی و بهنجار می باشد که والدین به منظور کنترل کردن و اجتماعی نمودن کودک از آن استفاده می کنند، والدین سهل گیر در ابعاد کنترل و خواست های خود معتدل و پائین از این سطح هستند و در مهرورزی حد وسط سه الگوی موجود را به خود اختصاص می دهند. خانواده والدین سهل گیر، نسبتاً آشفته است. فعالیت های خانواده نامرتب و اعمال مقررات اهمال کارانه است. بنابر این با توجه به چنین آرایش از عملکرد خانواده وجود رابطه منفی بین این شیوه فرزندپروری و عملکرد تحصیلی قابل انتظار است. اما والدین در شیوه مقتدرانه بینش های شناختی را به کودکان خود منتقل می سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می گیرند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می کنند. آن ها ظاهراً تحمل مقاومت در برابر قهر و غضب کودک را دارند. والدین مقتدر به آغاز تعامل کودک، به گونه و درجه ای پاسخ می گویند که معمولاً برای کودک خشنود کننده است بنابراین چنین والدینی در همه امور از جمله تحصیلات پسران خود را زیر نظر دارند و بخاطر همین است که این شیوه فرزند پروری رابطه مثبتی با عملکرد تحصیلی نشان داده است. نتایج این تحقیق با یافته های پژوهش های کوریدو و وارنر و ایرگ (۲۰۰۲)، گوتگرو و پیترسون (۱۹۸۴)، والدرا (۱۹۸۰)، کریستنسون (۲۰۰۱)، شین و لاک (۲۰۰۷) عسگری و همکاران (۱۳۸۶) و جاودان (۱۳۸۳) همسو و همخوان است.

۴-۲. فرضیه دوم:

بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد. نتایج تجزیه و تحلیل ضرایب همبستگی پیرسون، بین شیوه های فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر نشان داد که والدینی که به صورت مقتدرانه دختران خود را پرورش داده اند با عملکرد تحصیلی دخترانشان در مدرسه رابطه مثبت نشان داده و باعث پیشرفت آن ها شده است. اما شیوه ی فرزند پروری سهل گیر در این پژوهش برعکس پسران، رابطه مثبتی با عملکرد دانش آموزان دختر نشان داده است و باعث افت تحصیلی آن ها در مدرسه شده است. شیوه فرزندپروری مستبدانه در این تحقیق با عملکرد تحصیلی دختران رابطه منفی نشان داد.

۴-۳. فرضیه سوم:

بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد. نتایج تجزیه و تحلیل ضریب همبستگی بین درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی پسران مشخص کرد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

۴-۴. فرضیه چهارم:

بین میزان درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم شهرستان فاروج رابطه وجود دارد



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

نتایج تجزیه و تحلیل ضریب همبستگی بین درگیری والدین در امور تحصیلی با عملکرد تحصیلی دختران مشخص کرد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معنی داری وجود دارد و همانند پسران پیشرفت تحصیلی و افزایش عملکرد آن ها شده است.

۴-۵. فرضیه پنجم:

شیوه های فرزندپروری والدین ، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را در مدرسه پیش بینی می کنند. نتایج تحلیل رگرسیون بین شیوه های فرزند پروری با عملکرد تحصیلی نشان داد که شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه توانستند عملکرد تحصیلی دانش آموزان را در مدرسه پیش بینی کنند و شیوه فرزندپروری سهل گیر پیش بین عملکرد دانش آموزان نبود. نتایج این تحقیق با یافته های پژوهش های کوریدو و وارنروایرگ (۲۰۰۲)، گوتگرو و پیترسون (۱۹۸۴)، کریستنسون (۲۰۰۱)، شین و لاک (۲۰۰۷) عسگری و همکاران (۱۳۸۶)، معتمدی (۱۳۸۷)، برهمند (۱۳۸۱) و مهرافروز (۱۳۸۳) همسو و همخوان است



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

پیشنهادات

پیشنهادهای پژوهشی:

پیشنهادهای پژوهش در دو طبقه به شرح زیر آورده شده است:

پیشنهادهای کاربردی که به مسؤولان آموزش و پرورش و والدین ارائه می‌شود. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی که به پژوهش‌گرانی که قصد پژوهش در این زمینه را دارند ارائه می‌شود. در زیر این دو دسته پیشنهاد به تفکیک ذکر شده‌اند.

پیشنهادهای کاربردی:

۱- لازم است مربیان و معلمان به شیوه‌های فرزند پروری خانواده‌ها و درگیری تحصیلی آن‌ها توجه کنند. در واقع، یادآوری این نکته که پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه صرفاً به توانایی‌های هوشی آنان بستگی ندارد، بلکه به شیوه‌های فرزند پروری و عملکرد خانواده دانش‌آموزان نیز بستگی دارد.

۲- لازم است آموزش و پرورش در ارتباط با نقش شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، برنامه‌های آموزشی مناسبی را برای انواع دوره‌های آموزش معلمان، آموزش خانواده، مدیران و دبیران تهیه و برگزار کند.

۳- والدین و معلمان و استادان باید در فعالیتهای تربیتی و اجتماعی، بیشتر از توجه به نتیجه، تلاش و کوشش در جریان حل مشکل را تقویت کنند. در این صورت جدا از این که تلاش‌گری افزایش می‌یابد از عوارض منفی ساختارهای رقابتی نیز از بین می‌رود.

۴- به منظور آشنایی و کاربرد و نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مانند شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی، کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برگزار شود.

۵- با توجه به اهمیت روزافزون پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور و نیز حساسیت خانواده‌ها به این مقوله به نظر می‌رسد توجه به یافته‌های این پژوهش می‌تواند در شناخت ارتباط عملکرد تحصیلی با شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی کمک شایانی باشد.

۶- مربیان و مدیران و دیگر دست‌اندرکاران با نظارت بر فعالیتهای تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان، مشکلات آنان را در این مسیر شناسایی کنند و از طریق راهنمایی‌های جمعی و انفرادی، به برطرف کردن آن مشکلات اهتمام ورزند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی:

۱- رابطه شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی و نتایج انگیزشی آن مورد توجه قرار گیرد، زیرا دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که شکست تحصیلی خود را به عدم بهره‌گیری از روش‌های درست مطالعه و یادگیری نسبت دهند نه به عواملی چون شانس، کم استعدادی و دشواری تکلیف.

۲- جهت بررسی دقیق‌تر رابطه شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی، انجام پژوهش‌هایی که بر اساس آن‌ها، رابطه متغیرهای بیشتری مورد بررسی قرار گیرند پیشنهاد می‌شود.

۳- جریان تأثیر شیوه‌های فرزندپروری در گروه‌های سنی مختلف بررسی گردد.

۴- شیوه‌های فرزندپروری و درگیری والدین در امور تحصیلی بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر دولتی مقایسه شود.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

منابع

- احدی، حسن، محسنی، نیکچه‌ر (۱۳۸۷). "روانشناسی رشد". چاپ دوم. تهران: نشر بنیاد.
- احدی، حسن، محسنی، نیکچه‌ر (۱۳۸۷). "روانشناسی رشد". چاپ دوم. تهران: نشر بن استانفورد، و به یار (۱۹۹۳). "تعامل والدین و کودکان". ترجمه محمد دهقانپور و مهرداد خرازچی یاد.
- اژه ای، جواد و همکاران (۱۳۹۰). «الگوی علی روابط بین سبک های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی». مجله روانشناسی. سال سوم. ص ۳۰۱-۲۸۴.
- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). «بررسی و مقایسه شیوه های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری مادران بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان». پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان پزشکی تهران.
- بخت آور، محمد و عابدی، عیسی (۱۳۹۷). «بررسی ارتباط بین الگوهای فرزندپروری با تیپهای شخصیتی نوجوانان با توجه به مؤلفه های جمعیت شناختی». همایش ملی روانشناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم. دانشگاه شیراز.
- برهمند، اوشا (۱۳۸۱). "بررسی رابطه بین مزاج، سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری میان کودکان پیش دبستانی در شهر تبریز". پایان نامه دکترای رشته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- جاودان، موسی (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری و خودادراکی علل موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز
- جعفری نصیر محله، محمد (۱۳۹۹). «بررسی رابطه سبک های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان». کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام.
- خوش کنش، ابوالقاسم (۱۳۸۶). « بررسی رابطه ساده و چندگانه پیشایندهای شخصیتی-شناختی و مذهبی با احساس شادکامی و ارتباط متغیر اخیر با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز». پایان نامه دکتری، دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز
- دلاور، علی (۱۳۸۴). احتمالات و آمار کاربردی، در روان شناسی و علوم تربیتی. انتشارات رشد، تهران.
- رحمت زهی، خدا نظر و همکاران (۱۳۹۷). «رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان». ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی فرهنگ ایران.
- رضایی، محمد (۱۳۷۵). " بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۴-۷۵". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سپهوندی، محمد علی (۱۳۸۶). « مقایسه سلامت روانی، سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر واجد و فاقد مادر پایه اول دبیرستان های شهر اهواز با توجه به نقش تعدیل کننده حمایت اجتماعی و هوش دانش آموزان». پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سیف، علی اکبر؛ علیوند وفا، مرضیه (۱۳۸۴). « بررسی رابطه تفکر انتقادی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان تبریز». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۷). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- شلوبیری، گلرخ (۱۳۷۷). «بررسی ارتباط ویژگی ها و مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶». پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی.
- عسگری؛ پرویز، احدی؛ حسن، مظاهری؛ محمدمهدی، عنایتی؛ میرصلاح الدین، حیدری؛ علیرضا (۱۳۸۶). «رابطه ی بین شادکامی، خودشکوفایی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی با دوگانگی جنسی در ۶۸، ۳، ۵۲. دانشجویان دختر و پسر واحد علوم و تحقیقات مرکز اهواز». دانش و پژوهش در روان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۳۳، ص ۹۵-۱۱۶.
- کاکایی، فهیمه و احمدی، محمد سعید (۱۳۹۷). «رابطه شیوه های فرزندپروری با خوش بینی، امیدواری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان». رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره دوازدهم، ص ۳۸۵-۳۹۸.
- لیل آبادی، لیدا (۱۳۷۵). " بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و شیوه های فرزندپروری مادران عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدایی پسرانه شهر تهران ". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



- مرادی، علی رضا و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی رابطه میان سبک های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر ایلام». پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیت و سبک زندگی.
- مهر افروز، حجت الله (۱۳۸۷). " بررسی رابطه نگرش مادر نسبت به شیوه های فرزند پروری و مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران "، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ، دانشگاه تربیت معلم.
- مهربان، سید علی و همکاران (۱۳۹۸). « تدوین مدل ساختاری برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبک های فرزندپروری و باورهای معرفت شناختی در دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهر تهران». فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دهم، شماره دوم، ص ۲۳۵-۲۰۹.
- معتمدی، عبدالله (۱۳۸۷) ، " بررسی شیوه های والدینی و تاثیر آن بر تحصيلات فرزندان ،مجله علمی - پژوهشی روان شناسی ، شماره ۴، صص ۳۸۳-۳۷۰.
- میرحیدری، سید جعفر، میرهاشمی، مالک، ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۶). «پیش بینی عملکرد دانش آموزان کنداموز بر اساس ویژگی های شخصیتی، منبع کنترل و انگیزه پیشرفت ». توانمندسازی کودکان استثنایی. سال اول، شماره هشتم، ص ۲۴-۱۶.

Reference

- Aksoy. T. Link. Charles R; (2000). A panel analysis of student mathematics achievement in the US in the 1990s: does increasing the amount of time in learning activities affect math achievement? Economics of education review 19, 261 – 277.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. Developmental psychology monographs, 4, (1), 1-103.
- Becket. N. (2005). Analyzing quality audits in higher education. Journal of learning & teaching. Vol, 1, 321-332.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P. E. Cowan & E. M. Hetherington (Eds), family transitions: Advances in family research (Vol. 2, pp. 111-163), Hillsdale. NJ: Erlbaum.
- Busato, V. V., Prins, F. J., Elshout, J. J., & Hamaker, C. (2000). Intellectual ability, Learning style, personality, achievement motivation and academic success of psychology students in higher education. Personality and Individual Differences, 29, 1057-1068
- Bernt, T. S (1997). "Child development". (second Edition), London: Ron and Ben chimer publisher.
- Britzman, D. P. (2003). Psychoanalytic histories of learning after education, Published by State University of New York press
- Berk, L. E. (1997). "Child developmental psychology". Boston: Ally & Bacon.
- Darling, D. (2004) construction and validation of the parenting Style inventory. Pennsylvania state university.
- Darling, N. (1999). "Parenting styles its correlates. Genetic, Social General Psychology Monographs", vol, 125 Issue, 3, 269-2.
- Darling, D. F & Steinberg. (1999). "Parenting style as context psychological Bulletin", 1113, 3, 487-496.
- Dobbins, B. (2006). Lation adolescents perceptions of parenting style ,locus of control and school climate .Dissertation. www. Proquest .com.
- Infante, E., Sanchez, M., & Rodriguez, Y. T. (2001). Personality and academic productivity in the university students. Social Behavior and Personality, 29, 299-305.
- Komaraja, M., Karau, S. J., Schmeck, R. R. (2009). Role of the big five personality traits in predicting collage student's academic motivation and achievment, Learning and Individual Differences. 19, 47-52.
- Permuzic, T., Furnham, A. (2003). Personality predicts academic performance: Evidence from two longitudinal university samples. Journal of Research in Personality, 37, 319-338.
- Premuzic, T. & Furnham, A. (2003). Personality traits and academic examination performance, European Journal of Personality, 17, 237- 250.